

نگاه وسیعی تحت عنوان اجرای سیاست عمومی

نویسنده: محسن علمداری دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
جنوب. مردادماه ۱۴۰۳

چکیده

فرآیند اجرا و ارزیابی سیاست‌های عمومی با در نظر گرفتن فرآیند ایجاد خط‌مشی‌های عمومی به‌عنوان عملیاتی که دارای چندین فرآیند فرعی است که با هم ادغام شده‌اند، به بهترین وجه قابل درک است. (Ridde 2009, p.939) یک خط‌مشی ترکیبی از اهداف و فعالیت‌های مشخص است که می‌تواند به پایان دادن به یک مشکل خاص پس از اجرا کمک کند. (Lyhne 2011, p.321) از طرف دیگر، (Ridde 2009) یک سیاست را به عنوان چیزها اقداماتی که دولت برای مردم درست و یا نادرست تشخیص داده است تعریف می‌کند (ص. ۹۳۹). در صورتی که دولت بدون موفقیت در دستیابی به خروجی‌های مورد نظر، تصمیمی برای انجام کار خاصی که به نفع جامعه است، می‌گیرد، تحلیلگران سیاست تلاشی باورنکردنی برای افشای دلایل شکست این سیاست انجام می‌دهند. یک رویکرد برای انجام این کار، بررسی دقیق کاستی‌های مختلف در مرحله اجرا (Ridde 2009)، (p.939) و مرحله تدوین سیاست است. در صورت مشاهده نقص در هر مرحله، به این معنی است که فرآیند سیاست‌گذاری برخی از جنبه‌های حیاتی را نفی کرده است که تضمین می‌کند هر گام برداشته شده در مراحل تدوین و اجرا با هدف نهایی و هدف مورد نظر سیاست مطابقت دارد.

کلمات کلیدی: سیاست عمومی، خط‌مشی، دولت

مقدمه

هدف این مقاله معرفی ارزیابی خط مشی به عنوان یک مؤلفه گسترده برای گنجاندن در مراحل تدوین و اجرای سیاست برای ایجاد خط مشی عمومی است. عدم گنجاندن آن در هر دو مرحله، تشخیص برخی کاستی‌ها را برای افرادی که سیاست را تدوین و اجرا می‌کنند، دشوار می‌سازد. چنین کمبودهایی ممکن است منجر به شکست سیاست در ارائه نتایج پیش‌بینی شده پس از اجرای کامل شود. این مقاله به دو بخش اصلی تقسیم شده است. ابتدا شرحی از اجرای اجرا و ارزیابی فرآیند سیاست‌گذاری عمومی به عنوان نهادهای مجزا ارائه می‌شود. این مرحله سپس توسط بخش تجزیه و تحلیل دنبال می‌شود که فرآیند سیاست‌گذاری را به عنوان متشکل از مراحل اجرای سیاست و ارزیابی که به طور همزمان اجرا می‌شوند، مورد بحث قرار می‌دهد. مزیت یکپارچه سازی مراحل اجرا و ارزیابی برای ایجاد سیاست‌های عمومی در نهایت مورد توجه قرار خواهد گرفت. در نتیجه، این مقاله معتقد است که اجرای سیاست عمومی را نمی‌توان از تدوین یا ارزیابی آن جدا کرد.

اجرای سیاست‌های عمومی

پس از تدوین سیاست‌ها، مرحله بعدی شامل اجرای آنها می‌شود. اجرای خط مشی عمومی به اعمال یک تصمیم خط مشی خاص بر اساس دستور قانون، دادگاه یا هر دستور مدیر اشاره دارد. (Mazmanian & Sabatier 1983, p.149) دو پارادایم، از پایین به بالا و از بالا به پایین نیاز دارد. رویکرد پایین به بالا با جدا کردن زنجیره ای از افرادی که با مصاحبه با آنها در مورد جاه طلبی‌ها، طرح‌ها، اقدامات و تماس‌هایشان در ارائه خدمات به هر یک یا همه مناطق محلی شرکت می‌کنند، آغاز می‌شود. (Sabatier 1986, p.32) رویکرد پایین به بالا معتقد است که فرآیند اجرای سیاست عمومی از مرحله تدوین جدایی ناپذیر است. (Matland 1995, p.147) نقش مدیران و سیاستمداران نیز در موفقیت تدوین و اجرای سیاست‌ها از پارادایم‌های رویکرد از پایین به بالا بسیار مهم تلقی می‌شود. سپس تماس‌ها برای توسعه شبکه‌های مختلف با هدف کمک به شناسایی بازیگران ملی، محلی و حتی منطقه ای که برای تأمین مالی، برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های ضروری مختلف غیردولتی و یا دولتی حیاتی هستند، مستقر می‌شوند. پایین نیاز به یک سیاست معین را ایجاد می‌کند. سپس بالا با ایجاد خط مشی پاسخ می‌دهد. در این زمینه، ساباتیئر (۱۹۸۶) معتقد است که این رویکرد یک طرفه است، زیرا فرآیند سیاست‌گذاری از پایین به بالا شروع می‌شود. رویکرد از بالا به پایین در اجرای سیاست‌های عمومی بوروکراتیک است. این با یک تصمیم‌گیری آغاز می‌شود که به درجه دستیابی به اهداف و اهداف آن در یک دوره معین و دلیل زمان سپری شده (Sabatier 1986, p.32) می‌پردازد. فرآیند اجرای موفق سیاست از بالا به پایین مستلزم فاکتورگیری مسائلی مانند درجه فرآیند اجرا برای مطابقت با نظریه علی و سازگاری فرآیند با اهداف سیاست است. این فرآیند یک طرفه است (Sabatier 1986, p.51) زیرا حلقه‌های بازخوردی ندارد. این فرآیند همچنین باید به طور قانونی یکپارچه شود تا پایبندی کارمندان مجری و گروه‌های مورد نظر را افزایش دهد. (Sabatier 1986, p.25) تعهد همراه با ظرفیت مسئول اجرا برای داشتن مهارت‌های بالا در زمینه ای که خط مشی آن در حال اجراست، عامل موفقیت بزرگی برای این رویکرد اجرای سیاست‌های عمومی است. این رویکرد نیاز به فاکتور گرفتن تغییرات در شرایط اجتماعی-اقتصادی دارد، که به طور قابل توجهی با همراهی سیاسی یا فرضیه علی مقابله نمی‌کند (Sabatier 1986, p.25). در نهایت، به منظور جستجوی حمایت سیاسی در فرآیند اجرای سیاست‌های عمومی از پارادایم‌های رویکرد اجرای از بالا به پایین، این فرآیند باید با نگرانی‌های گروه‌های حمایتی و حاکمیت‌های مختلف سازگار باشد (May &

(. (Wintner 2007, p.455) این رویکرد نشان می‌دهد که تدوین و اجرای سیاست را می‌توان به دو نهاد متفاوت از هم تفکیک کرد. "بالا" نقش اصیل ایجاد خط مشی را بر عهده دارد در حالی که "پایین" مسئول اجراست.

این بدان معناست که جریان صدای فرمان در یک جهت واحد است: (Sabatier 1986, p.51) از بالا به پایین در ساختار سلسله مراتبی. محققانی که از رویکرد از بالا به پایین حمایت می‌کنند و کسانی که با آن مخالف هستند، نمی‌توانند برای مناسب‌ترین رویکرد اجرای خط مشی که تضمین می‌کند تمام نگرانی‌های گروه‌های هدف به‌طور کامل توسط سیاست در حال اجرا برطرف می‌شود، مبارزه کنند. برای مثال، طرفداران پایین به بالا پیشنهاد می‌کنند، «بوروکرات‌های خیابانی برای اجرای موفقیت‌آمیز نقش اساسی دارند و پایین‌ترها در معرض خطر آنها را نادیده می‌گیرند (DelLeon & Denver 2002, p.470). نکته این است که اجرای موفقیت‌آمیز زمانی اتفاق می‌افتد که همه افرادی که مستقیماً تحت تأثیر سیاست قرار می‌گیرند، فعالانه در برنامه ریزی و اجرای سیاست‌ها مشارکت داشته باشند. با انتقاد ساباتیئر مبنی بر اینکه فرآیند از بالا به پایین و پایین به بالا یک جهته است (۱۹۸۶، ص ۷۹)، مؤثرترین رویکرد رویکردی است که تعاملات هر دو بالا و پایین را از طریق حلقه‌های بازخورد تقویت می‌کند. طرفداران رویکرد از پایین به بالا در فرآیند اجرای خط مشی عمومی اظهار می‌دارند که می‌توانند پیچیدگی‌های بی‌شماری را که ممکن است مانع موفقیت اجرای سیاست‌ها از طریق این فرآیند شوند، به دست آورند. (Milward 1980, p.247) با درک کامل ماهیت یک طرفه هم از بالا به پایین و هم از پایین به بالا، این مورد نیاز به ادغام دیدگاه‌های ارزیابی سیاست در طول فرآیند تدوین و اجرای سیاست دارد (Barzelay & Jacobsen 2009, p.320).

ارزیابی سیاست‌های عمومی

ارزیابی خط مشی‌های عمومی برای کمک به انعکاس تأثیرات خط مشی توسعه یافته، اعم از مورد نظر و ناخواسته، حیاتی است. از نظر فنی، Barry و Rae (1975) ارزیابی سیاست‌ها را به عنوان تخصیص نرخ‌ها به چیزها با صحبت تقریباً برای یافتن مفید یا مضر بودن آنها تعریف می‌کنند. با توجه به Cope و Goodship (1999)، هدف از ارزیابی سیاست‌ها آگاه کردن سیاست‌گذاران در مورد پیشرفت روند اجرای سیاست‌ها است که نشان می‌دهد چگونه سیاست‌ها با نتایج مورد نظر اندازه‌گیری می‌شوند. بنابراین، در جایی که متوجه می‌شویم که سیاست‌ها ممکن است پس از اجرای کامل نتایج مطلوب را به همراه نداشته باشند، ارزیابی در کمک به طراحی سیاست‌های جدید از طریق تصحیح عناصر نادرست سیاست در دست اجرا اهمیت دارد. (Rist 1995, p.112) از سوی دیگر، در جایی که یک خط مشی به نتایج مطلوب دست می‌یابد، ارزیابی حیاتی است زیرا به مشروعیت بخشیدن به سیاست موجود کمک می‌کند. به عنوان مثال، هاولت و همکاران. ارزیابی خط مشی را به عنوان میدانی تحلیلی برای افرادی که ارزیابی را صرفاً تمرین ماهرانه‌ای در تصمیم‌گیری در مورد پیروزی یا از دست دادن تلاش‌های دولت برای رسیدگی به مسائل خط مشی می‌دانند (2009)، به طور کلی، فرآیند ارزیابی عنصری از فرآیند یادگیری خط مشی است. یک فعالیت علمی است. (Rist 1995, p.112) برخی از محققان در رشته مدیریت خط مشی عمومی معتقدند که ارزیابی خط مشی عمومی یک عنصر متمایز در فرآیند سیاست‌گذاری است. ظهور فرآیند سیاست‌گذاری که مبتنی بر شواهد است نشان می‌دهد که ارزیابی فرآیند اجرای سیاست یک تمرین مثبت‌گرا است. تحت چنین رویکردی، ارزیابی خط مشی با هدف تعیین کیفیت، هزینه‌ها، اثربخشی سیاست، تأثیرات و دستیابی به هدف انجام می‌شود. (Marsh & McConnell 2010, p.59)

تحلیل و بررسی

بحث‌های بخش توصیف، مرحله ارزیابی را در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی به عنوان یک نهاد مجزا از مراحل تدوین و اجرا ارائه می‌کند. هاگود آن را به عنوان فرآیند «تعیین ویژگی‌های موضوع مورد تحلیل، تنظیم سازمانی و سیاسی موضوع، با مکانیک واقعی تکنیک‌های خاص ثانویه و پیامد» ارائه می‌کند (۱۸۸۴، ص ۲۶۳). در این بخش، تجزیه و

تحلیل خط مشی به عنوان یک مرحله ضروری ارائه شده است که باید همزمان با هر دو مرحله تدوین و اجرا، گنجانده شود و اجرا شود.

اجرای فاز ارزیابی همزمان با مراحل تدوین و اجرا

سیاست ها با تصویب رسمی قوانین و قوانین یا مقرراتی که عملکرد خط مشی ها را تجویز می کنند، اجرا می شوند. به گفته می و وینتر (۲۰۰۷)، یک اقدام بوروکراتیک در حصول اطمینان از عملکرد کامل خط مشی، جایگاهی مرکزی دارد (ص. ۴۶۲). برای اینکه این سیاست بتواند یک کالای عمومی را ارائه دهد، لازم است که نوعی ارزیابی انجام شود بدون توجه به اینکه آیا فرآیند پیاده سازی رویکرد از بالا به پایین یا رویکرد پایین به بالا را در نظر می گیرد. این مرحله باید در مراحل تدوین و اجرا و همچنین پس از اتمام هر یک از مراحل انجام شود.

ارزیابی در مرحله تدوین خط مشی

اجرای فاز ارزیابی همزمان با مرحله فرمول بندی برای اطمینان از اینکه خط مشی دارای خطاهای فرمول بندی نخواهد بود که در مرحله اجرا تکرار می شوند، قابل قبول است. سیاست ها مطابق با تأثیرات سیاسی غالب همراه با تقاضای ذینفعان است که ضرورت چنین سیاستی را برانگیخته است (ادوارد ۱۹۹۲، p.51). به این ترتیب، می توان تکرار برخی از جنبه های نادرست سیاست را که تأثیر کلی در ممانعت از ظرفیت خط مشی برای ارائه آنچه برای دستیابی به آن بود، به حداقل رساند. گنجاندن مرحله ارزیابی در بخش تدوین خط مشی به جذب همه گروه های دولت محور و فعالان سیاستی که شکل یک خط مشی عمومی خاص را تعیین می کنند کمک می کند (می و وینتر ۲۰۰۷، ص ۴۶۳). سیاست گذاری شامل هزینه های اساسی منابع کمیاب و محدود عمومی است. معافیت از ارزیابی در مرحله تدوین به معنای کاهش نظارت بر خطراتی است که منجر به اجرای سیاست هایی می شود که فقط در خدمت منافع رژیم سیاسی فعلی هستند، که بعداً در رژیم های آتی همراه با خواسته های گروه های ذینفع تازه پدید آمده نامناسب خواهند بود. عوامل تدوین کننده خط مشی اغلب محققانی هستند که برای تغییر کار می کنند. به گفته پالمبو (۱۹۸۷)، این افراد مشتاق به آنچه در فرآیند فرمول بندی گنجانده شده است هستند (ص. ۲۹). در اجرای آن نیز مشارکت دارند. این بدان معناست که عملاً منع عوامل تدوین کننده سیاست از بررسی دقیق تأثیرات سیاست های تدوین شده (ارزیابی) بر دستیابی به اهداف مورد نظر، چه در کوتاه مدت و چه در بلندمدت، نامناسب است. سهم نفوذ سیاسی در تدوین سیاست ها را نمی توان در مرحله ارزیابی نفی کرد زیرا انجام ارزیابی مستقل می تواند هم مدیران برنامه و هم سیاستمداران را تهدید کند. (Pollitt 1999, p.79)

از این منظر، اندازه گیری، توصیف، پاسخگویی و قضاوت به عنوان برخی از تکنیک های ارزیابی میزان سیاست های عمومی در مرحله تدوین به منظور دستیابی به اهداف، مقاصد و مقاصد مورد نظر برای ادغام بسیار مهم است. در مرحله فرمولاسیون این تلاش به تعیین سیاست هایی کمک می کند که تأثیر کلی مصرف منابع عمومی کمیاب را درست در مرحله تدوین داشته باشند. جوهی که ممکن است در مرحله اجرای ناموفق به دلیل اشتباهات مربوط به تدوین خط مشی ضعیف هدر رفته باشد، می تواند در بازنگری سیاست ها هدایت شود. هنگامی که یک خط مشی در مرحله تدوین ارزیابی می شود، فرآیند بعدی اجرای احتمالات بالایی دارد که نمی تواند پیچیدگی های آن را در مرحله تدوین ردیابی کند.

چالشی که ممکن است ایجاد شود تنها می تواند ناشی از شکست عوامل اجرا کننده در اجرای سیاست به شیوه ای باشد که با پیش بینی های دریافت کنندگان سازگار باشد. (Whitford 2007, p.18) در مرحله تدوین، ارزیابی شامل توصیف این است که آیا خط مشی های تدوین شده که موظف به اجرا هستند، با اهداف و مقاصد سیاست ها مطابقت دارند یا خیر.

ارزیابی در مرحله اجرای سیاست

بازیگر اصلی در فرآیند اجرای سیاست، سیستم اداری اداری است. چنین سیستمی بر اساس انطباق ساخته شده است. توصیف آژانس اجرا نیز برای کمک به تعیین تأثیرات احتمالی آژانس مجری بر موفقیت اجرای قوانین، قوانین و مقررات تجویز شده توسط خط مشی بدون ریسک بسیار مهم است. بیشتر سیاست‌های عمومی به گونه ای تدوین می‌شوند که اجرای آن‌ها وابسته به مأموران مجری است که یا مطابقت را تجویز کنند یا در غیر این صورت با عواقب قانونی خاصی مواجه شوند. طبق نظر می و وینتنر (۲۰۰۷)، بوروکراسی نقشی مرکزی در مرحله اجرا دارد زیرا توانایی درک و ترجمه هدف واقعی، روش شناسی و حوزه پوشش هر خط مشی را دارد (ص ۴۶۵). این بدان معناست که بوروکراسی تا حدودی توانایی بازتعریف اهداف اقدامات سیاست در دست اجرا را دارد. این فرآیند قالب‌گیری فرآیند ارزیابی سیاست عمومی در مرحله اجراست. هدف اصلی از انجام ارزیابی در مرحله اجرا بر نیاز به نظارت بر عوامل مجری بوروکراتیک است.

این مرحله برای کاهش خطرات عامل اجرا ضروری است تا جزئیات سیاست را به گونه‌ای بازتعریف کند که روش اجرایی اتخاذ شده را که در مرحله تدوین خط مشی تعریف شده است، مختل کند. در مرحله اجرا، سازمان‌های اداری شامل دادگاه‌ها و پارلمان می‌شوند. (DelLeon & Denver 2002, p.483) این آژانس‌ها در تعیین اینکه چه کارهایی باید انجام شود و چه کارهایی نباید انجام شود، هنگام اجرای سیاست‌ها، مسئولیت‌های حیاتی دارند (May & Wintner 2007, p.467). سازمان‌ها یا قوانین پیشنهادی، قوانین موقت یا حتی قوانین نهایی را برای هدایت روند اجرای سیاست‌ها ارائه می‌کنند. ارزیابی برای اطمینان از انطباق اجرای سیاست با این قوانین ضروری است. این باید در هر مرحله از فرآیند اجرا انجام شود تا اطمینان حاصل شود که خط مشی مستقیماً با اهداف و اهداف پیش‌بینی شده خط مشی همانطور که در مرحله تدوین ارزیابی شده قبل از شروع مرحله بعدی فرآیند اجرا توضیح داده شده است، مطابقت دارد.

چرا مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست را یکپارچه کنیم؟

مراحل و مراحل سیاست‌گذاری به هم مرتبط هستند. موفقیت یک مرحله و یا مرحله در یک فاز، موفقیت مرحله یا مرحله بعدی را تعیین می‌کند. ارزشیابی ابزاری برای سنجش و تعیین میزان موفقیت این مراحل و مراحل اجرای سیاست است. موفقیت در اجرای خط مشی عمومی تابعی از موفقیت مرحله قبل است. موفقیت این مرحله قبل (تدوین سیاست) به ارزیابی سیاست‌های تدوین شده بستگی دارد. این بدان معنی است که اگر فرآیند ارزیابی به عنوان یک مرحله مجزا در نظر گرفته شود، نمی‌توان سیاست عمومی را با احتمال موفقیت زیاد در تحقق اهداف و اهداف خود اجرا کرد. سیاست‌های عمومی ممکن است به دلیل مشکلات مختلفی که در مرحله اجرا با آن مواجه می‌شوند، نتوانند به نتایج مورد نظر خود دست یابند. این مشکلات عبارتند از وجود محدودیت‌های خاصی که برای سازمان‌های مجری در اجرای فرآیند اجرا مشکل‌ساز است، منابع و زمان ناکافی برای اجرا، توافق و درک ناقص اهداف سیاست‌گذاری و مقاومت در برابر دستورات صادره از سوی عوامل مجری سیاست‌های بوروکراتیک. (Hogwood & Gunn 1984, p.75). از دیگر چالش‌ها می‌توان به سازمان‌های ناکافی برای اجرای سیاست و عدم توالی مشخص و مشخص برای اجرای سیاست اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

خط‌مشی‌های عمومی در تعدادی از فرآیندها ایجاد می‌شوند که می‌توان آن‌ها را به عنوان نهادهای مجزا در نظر گرفت. این موجودات یا مراحل متفاوت هستند و در عین حال به یکدیگر وابسته هستند. از این استدلال، مقاله معتقد است که نمی‌توان آنها را به گونه‌ای متفاوت اجرا کرد، همانطور که رویکرد اجرای سیاست از بالا به پایین نشان می‌دهد. دو مرحله مهم از فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، تدوین خط مشی و اجرای خط مشی است. برای انطباق با نیاز به ارتباط دو فاز، باید یک

مرحله پیوند وجود داشته باشد، که مرحله ارزیابی است که به عنوان یک جزء گسترده برای گنجاندن در مراحل تدوین و اجرای سیاست برای ایجاد خط مشی عمومی پیشنهاد می‌شود. ارزیابی مراحل مختلف در هر مرحله و کل فاز به جلوگیری از اوج گیری و تکرار چالش های مختلف که ممکن است مانع تحقق نتایج سیاست عمومی در دست اجرا شود، کمک می‌کند. هنگامی که ارزیابی بخشی جدایی ناپذیر از فرآیند پیاده سازی را تشکیل می‌دهد که باید همزمان با فرآیند اجرا انجام شود، می‌توان این چالش ها را شناسایی کرد و مکانیسم اصلاحی را اتخاذ کرد. این مقاله جدا از اطمینان از موفقیت آمیز بودن فرمول در هموار کردن مسیر برای مرحله اجرا، ارزیابی را در ادغام این دو مرحله در تلاش برای کاهش چالش‌های مختلف که ممکن است مانع دستیابی به نتایج مورد نظر سیاست در دست اجرا شود، ضروری دانست.

این مقاله رویکرد از بالا به پایین و پایین به بالا اجرای سیاست را به عنوان سازه های نظری اصلی برای اجرای سیاست های عمومی مورد بحث قرار داد. از طریق این بحث، رفتار ارزیابی به عنوان یک نهاد مجزا که اغلب پس از اجرای خط مشی مورد توجه قرار می‌گیرد، به عنوان یک اشکال عمده هر دو رویکرد شناسایی شد. برای ارائه رویکردی متفاوت برای ایجاد خط‌مشی‌های عمومی، این مقاله نقش‌های ارزیابی را در مرحله تدوین خط‌مشی و مرحله اجرا ارائه و مورد بحث قرار داد. بنابراین، معتقد است که اجرای سیاست عمومی را نمی‌توان از تدوین یا ارزیابی آن جدا کرد.

منابع

Barzelay, M & Jacobsen, A 2009, "تئوری پردازی اجرای اصلاحات سیاست مدیریت عمومی: مطالعه موردی برنامه ریزی و برنامه ریزی استراتژیک در کمیسیون اروپا"، حاکمیت: مجله بین‌المللی سیاست، مدیریت و نهادها، جلد. شماره ۲۲، صص ۳۱۹-۳۳۴.

Cope, S & Goodship, J 1999, "تنظیم دولت مشارکتی: به سوی دولت متحد؟"، سیاست عمومی و مدیریت، جلد. ۱۴، شماره ۲، صص ۳-۱۶.

دللون، پی و دنور، L 2002، «تاکنون چه اتفاقی برای اجرای سیاست افتاده است؟ یک رویکرد جایگزین»، مجله مدیریت دولتی و نظریه تحقیقات، ش. ۱۲ شماره ۴، صص ۴۶۷-۴۹۲.

ادوارد، سی ۱۹۹۲، اقتدار سیاسی و قدرت بوروکراتیک، پرنیتس هال، نیوجرسی، نیوجرسی.

Hogwood, W & Gunn, L 1984, Policy Analysis of the Real World, Longman, New York.

هولت، ام و همکاران ۲۰۰۹، مطالعه سیاست عمومی، انتشارات دانشگاه آکسفورد، آکسفورد.

Lyhne, I 2011، "بین سیاست گذاری و برنامه ریزی: دریا و تصمیم گیری استراتژیک در بخش انرژی دانمارکی"، مجله سیاست و مدیریت ارزیابی زیست محیطی، جلد. ۱۳ شماره ۳، صص ۳۱۹-۳۴۱.

Marsh, D & McConnell, A 2010, 'Towards a Framework for Establishing Policy Success', Administration Public, vol. 88 شماره ۲، صص ۵۷-۶۹.

Matland, R 1995، 'Synthesising the Implementation Literature: Abbiguity-Conflict Model of Implementation'، مجله تحقیقات و نظریه مدیریت دولتی، جلد. ۵ نه ۲، صص ۱۴۵-۱۷۴.

May, J & Wintner, C 2007، 'سیاستمداران مدیران و بوروکرات های سطح خیابان: تأثیرات بر اجرای سیاست'، مجله تحقیقات و نظریه مدیریت دولتی، جلد ۱۹ شماره ۳، صص ۴۵۳-۴۷۶.

Mazmanian, D & Sabatier, P 1983, Implementation and Public Policy, Scott Foresman, Glenville.



میلوارد، بی ۱۹۸۰، "سیاست کارآفرینی و ایجاد تقاضای بوروکراتیک". در H Igram و D Mann ویرایش‌ها)، چرا سیاست‌ها موفق می‌شوند یا شکست می‌خورند، بورلی هیلز، کالیفرنیا، سیج، صفحات ۲۵۵-۲۷۷.

Palumbo, J (ed) 1987, The Politics of Program Evaluation, Pluto, London.

پولیت، سی، ۱۹۹۹، "توسط سهامدار بدلکاری شده اید؟ محدودیت‌های ارزیابی مشارکتی، سیاست عمومی و مدیریت، جلد اول. ۱۴ شماره ۲، صص ۷۷-۹۰.

Ridde 2009، V، 'اجرای سیاست در کشورهای آفریقایی: گسترش رویکرد چند جریانی کینگدون'، مدیریت عمومی، جلد ۸۷ شماره ۴، صص ۹۳۸-۹۵۴.

Rist 1995، C (ed)، ارزیابی سیاست: پیوند نظریه به عمل، پرنیتس هال، نیوجرسی، نیوجرسی.

Sabatier 1986، P، "رویکردهای از بالا به پایین و پایین به بالا برای تحقیقات پیاده سازی: یک تحلیل انتقادی و ترکیب پیشنهادی"، مجله سیاست عمومی، جلد ۶ نه ۱، صص ۲۱-۴۸.

Whitford 2007، B، 'اجرای سیاست غیرمتمرکز'، فصلنامه تحقیقات سیاسی، جلد ۱۰ شماره ۱، صص ۱۷-۳۰.